

ب از طویله خامه با یراق طلا عنایت نموده فرستادند

### هفتم و یکریم و آن فرخ :

## رایات جهانکشا بصوب سوکر بقصد

## میر و شکار

نشین اقرار الخلفه از فساد هوا آثار طاعون و علامات و با شیوع  
غیر اوج جم حضرت که صحت ذات ذات البرکاتش سرمایه  
بیستم برای عاقبت جهانیان است - هفتم ذی الحجه  
بعد از سپهر بیست و یک بهر بصوب سوکر نهضت فرمودند - به حاجی  
بیگ از غون هزار روپیه مرحمت شد \*

هشتم [ ذی الحجه ] در لتخانه فتحپور بنزول مقدس محط  
جلال و محل اقبال گردید - و آن روز دیگر در تالاب فتحپور  
بصید مرغابی مسرت افزای طبیعت اقدس گشتند \*  
نهم [ ذی الحجه ] در مسجد جامع آن که از آثار عظیمه  
حضرت عرش آشیانی است - و در فسحت و رفعت با آسمان  
همسر - بنماز عید اضحیٰ پرداختند - و پس از اداء نماز و مراجعت  
بهو لتخانه معلی رسم قربان تقدیم رسید - هنگام در آمد هجوم و کثرت  
بمرتبه بود که جمعی از تزام و تصادم در دروازه مسجد افتادند -  
از افتادگان یکی بزخم جمدهر دیگری که از غلاف بر آمده باور رسید  
در گذشت - و چندی از لکد کوب خسته گشتند \*

یازدهم [ ذی الحجه ] از فتحپور نهضت نموده منازل رو به پاس  
نزول فیض موعول شرف آگین گردانیدند - و سه روز در آن  
بهاگر آهو و دیگر جاندارو نهط اندوختند ، خواجه بزرگس مالوم

پانچہزار روپیہ دیگر بغایف ارامل و سایر معنیجات انفاق فرمودند \*

ہردہم [ ذی القعدہ ] مظفر حسین ولد میر ابوالمعالی کہ بہ پنجابور رفتہ بود با حید حسن ملازم عادل خان بکسر اہتمام عتبہ جہانبانی رسیدہ یک نیل کہ عادل خان بار دادہ بود با مادہ نیل بر حیدل پیشکش گذرانید - و مادہ حسن عرضہ داشت عادل خان با لختی نقابس کہ از جانب او بعنوان پیشکش آوردہ بود بنظر اکسیر اثر در آورد - و بغایت خلعت و اسب بازین نقرہ و یک مہر صد تولگی و یک روپیہ بہمان وزن مہاشی گشت \*

پہمت و چہارم [ ذی القعدہ ] صفی قلی سیاہ منصور حاکم اسفرائین کہ فرمانروای ایران اورا بہایہ سلطانہ رسانیدہ بود بعزم بندگی آستان جہانداری آمدہ دولت تقبیل سدہ اقبال دریافت - و بخلعت و منصب ہزاری ذات و ہانصد سوار و بغایت اسب و نیل و انعام پانزدہ ہزار روپیہ نقد فرق مہاشات بر امراختہ شیر خواجہ بخاری از احقان قائلہ مالار حقیقت مخدومی اعظم کہ از ماوراء النہر روانہ درگاہ معلی شدہ بود سعادت ملازمت آندوخت - و بخلعت و منصب پانصہبی ذات و صد سوار و انعام چہار ہزار روپیہ سرانراز گشت \*

حلیح ماہ [ ذی القعدہ ] بمجد اللہ خان بہادر فیروز جنگ نیل از حلقہ خامہ با مادہ نیل بغایت شد - دوستکام ولد معتمد بہان بغایت خلعت و خدمت بخشیدگری احمد آباد سر بر امراختہ بدالصورب مرخص گردید - و مصحوب او بہیرزا عیبی زلام گشت

مطابق بیدست و نیم ذی ماه جشن خجسته وزن اختتام حال پنججاه  
 و دوم و افتتاح سال پنججاه و سیوم شمسی از سنین دوام قرین  
 زندگانی جاودانی آرایش یافت - و وزن مقدس بطلا و دیگر اشیاء  
 مقرر بقدم رعید - خدیو دین و دولت بر مرصع سریر آسمان نظیر  
 که در هر انقی از آفاق چهار گانه آن چندین آفتاب زواهر جواهر  
 تعبیه نموده اند جلوس اقدس فرموده جیب و دامان جهانی بزر و  
 ندیم نثار که ملکه دوران مالکه گیهان بیگم صاحب بدستور هر وزن  
 فرستاده بودند بر آوردند - درین روز فرخنده پنج هزار سوار از منصب  
 همین پور خلافت در اسپه سه اسپه گردانیده منصب آن والا مرتبت  
 بیست هزار ذات و بیست هزار سوار پنج هزار سوار دو اسپه سه  
 اسپه مقرر فرمودند - و از اصل و اضافه صدر الصدور میک جلال  
 بمنصب چار هزار ذات و هزار سوار - و زاهد خان بمنصب هزار  
 و پانصد ذات و هزار سوار - و سچان سنگه سیسودیه بمنصب هزار ذات  
 و چار صد سوار نوازش یافتند - بر اجه بدمنگه به دور به نیل  
 عنایت شد - لعل خان گن سدر و سایر نعمه طرازان بانعام مقرر  
 کامیاب گشتند \*

شب هفدهم [ ذی القعدة ] مجلس عرس محمل آزادی مقرر  
 تقدس حضرت مهد علیا ممتاز الزمانی در روضه فردوس آئین آن  
 محفوفه منفرت و رضوان برهم سنین مانیه منعقد گشت - خانان  
 دریا نوال بان انجمن فیض موطن تشریف فرموده مبلغ بیدست و  
 هزار روپیه بارباب استحقاق قسمت نمودند - و صباح آن باز آن  
 تزهت نهار را بوزن اقدس فرود آورد گردانیده بیدست و

مجانر دار الفقاهه و بهر بره نمونی بخت بیدار صرف تقبل و حرم  
 اقبال که محیط افضال است و محیط آمال دریافت .  
 بیست و یکم [ سوال ] دیانت خان دیوان دکن باضافه بانصیب  
 ذات بمنصب هزار و بانصیب شصت سوار مفتخر گشت . میرزا  
 محمد ارباب صرقتند که همراه امام فلی خان از توران بطواف حرمین  
 منیفین رفته بود و بعد از رحلت او از راه دریا بسورت آمده درین  
 تاریخ بدوگله خلایق پناه رسیده احراز معادت ملازمت نمود و بلازم  
 در هزار روپیه کلمیاب گردید . به محمد زمان ازلت هزار روپیه عنایت  
 شد . چون هنگام بارعام گروه انام دولت کورنش در می یابند  
 و از کثرت هجوم و زور ازدهام خاصه هنگام مواردی اقدس که معادت  
 اندوژان حضور و انرا سرور مانند سور و ملخ فراهم آمده در مجری  
 بر یکدیگر بوقت می جویند یک میر توژک از عهد خدمت  
 ذیارسنی بر آمد . خدیو در بدین بجهت نگاهداشت سر رشته رعایت  
 مراتب سلخ ماه [ سوال ] چهار میر توژک مقرر فرمودند . تا در اتفای  
 نهضت مقدس یکی که از همه اینان کلا منصب باشد بتوژک  
 جانب پیش بپردازد . و دیگری که پایه منصبش فرو ترازان بود  
 بتوژک نسبت راست قیام نماید . و حیوم که ازین کمتر باشد توژک  
 دست چپ بجا آرد . و چارم که کمتر ازین بود توژک پنجاهانی  
 که از عقب در قور می آیند بتقدیم رسانند .

### جشن مبارک شمسى وزن مهر مہر جہالبانی

روز سه شنبه هشتم ذی القعدة سال هزار و پنجاه و صد

یازدهم [ سوال ] از اینجا نهضت نموده بروپاس متوجه گشتند .

دوازدهم [ سوال ] اعظم خان از متهم آمده سعادت ملازمت اندوخت .

چهاردهم [ سوال ] بستان سرا مرکز ایالت اقبال گردید .

پانزدهم [ سوال ] در نواحی باغ نور منزل سعید خانجهان و

انعام خان و عید جلال و سرورخان و دیگر بندها از دارالخلافه آمده

بملاقات ملازمت رسیدند . همان روز میمنت افروز در ساعتی

دولتخانه والی دارالخلافه بمنزل اشرف آسمانی پایه عدا

خوردیم [ سوال ] الله درست کاشغری بدرگاه آسمان جاده رسیده

شرفاً انتظام در سبط بندهای این حضرت والا رتبت یافت و

بمروضت خلعت و منصبی در خور حال و انعام چار هزار روپیه

برداشتند گردید . پدر او محمد دوست اتالیق احمد خان والی کاشغر

بود . چون عبدالله خان پسر عم احمد خان که در چالش و ترفان مفصل

کاشغر و خطا می بود یعنی ورزیده کاشغر را از تصرف احمد خان

سیر آورد . احمد خان پیش والی توران رفت . و چندی در آنجا

بهرزبرد . و پس ازان که امام قلی خان او را سردار غوجی ساخته

بجنگ لاکر قزاق که بقصد تسخیر اند جان آمده بود فرستاد . او

توان زد و خورد مقبول گشت . و الله دوست و والد از نزد امام

قلی خان ماندند . و هنوز در سفر سعادت اثر عجز کبیرا خان

که معروفه رفتند . چون خان در محاکمات مکره با سعید آسمانی از جان

سختی آید

کتابخانه زاید و اردو

ماہ [ رمضان ]

بہ دوریہ رخت عتی بریعتی بزرگ سے لک و پیدست چہل اک دام است بدین  
نہوں۔ و برہمنان کہ در کیشہ، لک دام۔ کتیبہ لوزاک و پنجاہ ہزار دام۔ و اوجا  
در وگت عبید میدارند  
بدن سنگہ نیرا عم اورا  
بمصلحت ہزارہی ذات  
بازو انہندہ ہرین ماہ ہوا  
و نیازمنان عطا فرمادہ  
شرف شوال عید  
جاگیر باز داشتہ یک

وین پامت و در ملت فریب دوازہ  
مشور عبد الکرم صورت تمامیت گرفته  
می موضع را از مضایات برگزیدہ حولی  
تکر چند کہ جہش چہل اک و پیدست ہزار دام۔  
اک و پنجاہ ہزار دام۔ پنہولہ  
اک و چہل ہزار دام۔ اتورا یک لک  
اک و پنجاہ ہزار دام۔ کراوندہ یک  
اک و پنجاہ ہزار دام۔ منہندہ  
اک و پنجاہ ہزار دام۔ نور اتورا  
اک و پنجاہ ہزار دام۔ و بیہت تونہ  
اک و پنجاہ ہزار دام۔ و سارہامی معصومہ  
اک و پنجاہ ہزار دام۔ بازار ہا و سارہامی معصومہ  
اک و پنجاہ ہزار دام۔ از حاصل این سو تو

بہر اہم ملکہ باز بمفصب  
صیات خان از اصل و اضافہ بمفصب  
یافت۔ بھیری ولد حدہ  
خامہ ایک۔ بھیری شہت  
مدینہ شہت ہزار دام۔ منہندہ  
اک و پنجاہ ہزار دام۔ نور اتورا  
اک و پنجاہ ہزار دام۔ و بیہت تونہ  
اک و پنجاہ ہزار دام۔ سارہامی معصومہ  
اک و پنجاہ ہزار دام۔ بازار ہا و سارہامی معصومہ  
اک و پنجاہ ہزار دام۔ از حاصل این سو تو

پانزدهم [ شوال ] از آنجا نهضت نموده برو پجایی متوجه گشتند .

شوازدهم [ شوال ] اعظم خان از متها آمده سعادت ملازمت اندوخت .

چهاردهم [ شوال ] بستان سرا مرکز ریایات اقبال گردید .  
پانزدهم [ شوال ] در نواحی باغ نور منزل سید خانجهان و اسلام خان و سید جلال و موسویخان و دیگر بندها از دار الخلافه آمده بشرف ملازمت رسیدند . همان روز میمنت افروز در ساعت مختار دولتخانه والی دارالخلافه بنزول اشرف آسمانی پایه شد .

نوزدهم [ شوال ] الله دوست کاشغری بدرگاه آسمان جاہ رسید . شرف انتظام در سط بندهای این حضرت والا رعیت یافت . و بمرحمت خلعت و منصبی در خور حال و انعام چار هزار روپیه مرید گردید . پدر او محمد دوست ازالیق احمد خان والی کاشغر بود . چون عبدالله خان بصرعم احمد خان که در چالش و ترفان مفصل کاشغر و خطا می بود یعنی ورزیده کاشغر را از تصرف احمد خان بر آورد . احمد خان پیش والی توران رفت . و چندی در آنجا بسربرد . و پس ازان که امام قلی خان او را سردار فوجی حاضر جنگ لشکر قزاق که بقصد تسخیر اند جان آمده بود فرستاد . او نران زد و خورد مقبول گشت . و الله دوست و والد او نزد امام قلی خان ماندند . و هر دو در سفر سعادت اثر حجاز همراه خان کنگ مشرفه رفتند . چون خان در مدینه مکرمه کالج بسماعانی از جان نانی و اپردخت هر دو از راه دریا به صورت آمدند . بدین در آنجا

• جنگ با لشکر زاید و اردو از راه راست بدارالخلافه اکبر آباد نژد •  
 - اواخر ماه [ رمضان ] بعرض اقدس رسید که راجه کهن سنگه  
 پهلو دره رختا هستی بر بخت - از آنجا که او را نرزدی جز پهر کنیز  
 نبود - و برهمنان که در کیش کفر مقتدای هند اند پهر کنیز را  
 در جنگ مجید میدارند - و بار طعام نمی خورند - حضرت خانانی را  
 بدین سنگه نیرنگ عم او را بمعنایت خلعت و باضافه پانصدی پانصد سوار  
 بمنصب هزاری ذات و سوار و بختاب راجگی و اسپ سربلند  
 گردانیدند درین ماه مبارک مبلغ سی هزار روپیه مقرر بمقتضایان  
 و نیازمندان عطا فرمودند •

غره شوال عبد الله خان بهادر فیروز جنگ را که از منصب و  
 جاگیر باز داشته یک لک روپیه مالیه او مقرر فرموده بودند از  
 مرحوم ملکانه باز بمنصب شش هزاری ذات و سوار مباحی گردانیدند  
 حیات خان از اصل و اضافه بمنصب هزاری چار صد سوار نژادش  
 پاتک - بچینی ولد حیف خان به خلعت و خدمت بکارلی نعمت  
 خاصه از تغذیر محمد قاسم ولد هاشم خان - و مبارک روی برادر  
 بچینی بخلعت و خدمت توژک - و نور الحسن به خلعت و خدمت  
 دارونگی نیل خانه سربلند گردیدند - ناهر سوانگی یک نیل برهم  
 پیشکش گذرانید - چون از وقایع صوبه کابل بسمع اقدس رسید که  
 میان ملک مندود و میر بچینی دیوان کابل جنگی شد - و ملک  
 دیوان زد و خورد مقتول گشت - میر را معزول ساخته خدمت  
 دیوانی بمیر مصباح الدوله تفویض فرمودند •

• مقدم [ حوال ] قصبه باری مورد موکب فیروزی شد •



روشنی و بهر پیرایه طلایی مینگار و امپ و نیل و لختی جلین  
مرمع که پوشش لریه راجپوتیه است و دو راجپوت کلان پند  
اورا خلعت و امپ - و هشت کفن دیگر را خلعت عنایت نموده  
دستوری معاونت دادند - و مصحوب او مالی سرورین و شمشیر  
سیر پیرایه طلایی مینگار و دو امپ یکی عربی با زین طلا دیگری  
عراقی با زین طلا برانا مرحمت نموده فرستادند .

هزدهم [ رمضان ] ملائی سعد الله خان بهنایت خلعت  
خاصه و بافانده پانصدی دروست حوار بمنصب در هزاره پانصد  
حوار و خدمت میر حمانی که در رتبه تلو پانده گرانمایه وزارت  
است مرا اعتبار بر ارضت - و چون متکفل این خدمت از  
فزونیه مهادت مرجوعه فرصت پرداخت خدمات دیگر چنانچه  
باید ندارد داروغگی در لختخانه خاص که بهلامی متعلق بود  
ببقای خان که از فلاس معتبر است تفویض نمودند - و عرض  
مکرر که آن نیز بار تعلق داشت بمیرک شیخ مفوض  
گفت .

بیست و چهارم [ رمضان ] زیات جهان پدما بنواحق هرگنده  
مالپور که جاگیر راجه بیتهل داس است رسید - راجه در نیل یکی  
فرود دیگری ماده بعنوان پیشکش گذرانید - ماده نیل درجه  
پذیرائی یافت .

بیست و هشتم [ رمضان ] با مهین پور خلعت و جمعی  
خاصان و عمده شکر از مقام رام پور بموی باری متوجه گشتند  
همان را به خلعت خاصه پرفراخته خلعت فرمودند .

بسیار و هزاران نفر این جماعت از او به تیکا یعنی نمازین گزاران  
دهند بجای خویش فرستاد .

هفتم [ رمضان ] دولت خانة اجمیر که بر ساحل تالاب آنا مانگر  
اسمک شرف نزول یافت - و بحکم - الخیر ایوخر - زیارت فرستاد  
صلیتة امرة العرفا خواجه معین الدین نموده و مبلغ ده هزار  
روپیه بخدای آن مکان نذارت نشان و دیگر اهل احتیاج تقسیم فرموده  
بدولت خانة معالی مراجعت نمودند - راجه جسونت سنگه  
از وطن آمده دولت کورنش اندرخت - درین تاریخ راجه جیسنگه  
شان خود نموده - پنج هزار سوار بشمار درآمد .

چهاردهم [ رمضان ] عبد الله خان بهادر فیروز جنگ  
را بعفایت اسب از طویله خاصه با براق طلا سر بلند کرد البند -  
و آخرین روز لیز بان سرقد منور تشریف برده فرمان دادند - که  
در معین دیگ بزرگ که حضرت جنت مکانی وقف آن مقام  
سعادت انتظام کرده اند نیده گوان شکار خاصه و برنج ص - نموده  
بفقرا قسمت نمایند - یک صد و چهل و پنج من پادشاهی از  
گوشت و برنج و روغن و دیگر مصالح یکبار در آن دیگ پخته شد .  
پانزدهم [ رمضان ] رایات جلال از دارالبرکه اجمیر بصوب  
دارالخاند اکبر آباد منتبض گردید - راجه جسونت سنگه و راجه  
جیسنگه بخلعت خاصه نوازش یافته باو طان خویش مرخص شدند -  
وام سنگه و کیرت سنگه پسران راجه جیسنگه بخلعت واسب  
سرجر افراخته همراه پدر رخصت یافتند .

شانزدهم [ رمضان ] راج گنور پسر رانا جگم سنگه مرخص

مراجعه شکار آگهی دارد در ملک بندگان آستان عالی منملک  
گردانید، بعنایت خلعت و خدمت داروغگی قرادان من بلند  
ملفند \*

پیدمت و چهارم [ شعبان ] از رویاس کوچ ۵۵ - در افتاد راه در قلاده  
غیر به تفنگت خاصه شکار گردید - و نوای سرای شواجه جهان  
مضرب خیام گشت - درین منزل اسلام خان و دیگر ارکان دولت  
باراهوی کلان آمده احراز شرف ملازمت نمودند \*

غره رمضان حوالی پرگنه چاتصوراچه جی منگه با پسران از  
وطن خود رسیده دولت کورنش دریافت \*

سیوم [ رمضان ] راجه مزبور چون رطش نزدیک بود نه امپ  
و یلک فیل برسم پیشکش گذرانید \*

هفتم [ رمضان ] که کنار تالاب جوگی منم دولت گشته بود  
راج کزور بصر کلان رانا جگت سنگه به تقبیل سدا سنیه سرعوت  
براقواخت - و یلک فیل پیشکش نمود - و بعنایت خلعت فاخر  
و مرپلج مرصع و جمدهر مرصع و امپ تپچاق با زین طه نوازی  
یافت - رانا جگت سنگه در سیر کشمیر که خدیو اقبال را در ایام  
خجسته آغاز فرخنده انجام پادشاهزادگی بعد از انصرام مهم رانا  
اسر سنگه در خدمت حضرت جنت مکلی اتفاق افتاد - و ملتزم  
رکاب نصرت بود - و در هر بساق دکن که خدیو اقبال با عسکر  
جهان کشا تشریف فرموده بودند با هزار سوار در رکاب فیروزی  
نصاب بود - درین نهفت پسر کلان را که در گروه راجپوتیه غیر  
از راهوران چنانچه نگارش یافت - بجانشدنی پدر منم و همین

بین - حقیقت آنهن - ولایت مآب - کرامت نصاب - خواجہ  
 معین الحق والدین مجزی چشتی قدس اللہ مرہ العزیز اعتقادی  
 خاص و اخلاصی مخصوص دارند - بظاہر آن بجهت زیارت مرقد فیض  
 مورد آن قدر از بار تقوی و تقی که سنت سنیہ اہلب کرام - وطریقہ  
 انیقہ آباد عظام خدایگان جهان است و پس از ادراک آرائی جز یکبار  
 کہ در سال دهم هنگام مراجعت اعلام ظفر انجام از دولت آباد دکن  
 بہ دارالخلافہ واقع شد در لیانہ بودند - عزیمت سیر مرزہ یعنی لجمیر  
 تصمیم فرمودند - و بعد از سپری شدن دورگی از شب دوشنبہ  
 ہزدم [ شعبان ] موافق نہم آبان بساعتی کہ مختار دقیقہ  
 شامان انجم و انلاک بود از دارالخلافہ نہضت فرمودہ باغ نور منزل  
 را بنزول سعادت موصول نصارت تازہ بخشیدند - و سعید خان  
 جهان را بخلعت خاصہ سرافراز ماخذہ بجهت سعادت دارالخلافہ  
 در آن جا گذاشتند - شیخ الہدیہ ولد کشور خان باضافہ پانصدی  
 در بخت سوار بمنصب ہزار و پانصدی ذات و ہزار سوار مر  
 برافراخت \*

ہدیم [ شعبان ] از باغ نور منزل کوچ نمودہ در بستان سرای  
 نزول اجال فرمودند - فردای آن دولت خانہ رو بہاس شرف  
 آمد گشت - و امام خان و دیگر اعیان سلطنت ہاروس کلان  
 رخصت یافتند - کہ تانہاط اندوزی شکار رو بہاس در فتح ہوز  
 اقامت گزینند - درین تاریخ صلابت خان بعنایت علم و نقارہ  
 مرحہبات بر افراخت - لہر اصپ خان را بخلعت برنواختہ  
 توہبگی گروانیدند - میر صالح مازم معین ہوز خلعت برآ کہ

شب پانزدهم [ شعبان ] بر ساحل آب چون و مغالیه باغات  
آبروی آب چراغان بلهجویی که حیرت انزای تماشاگران گشت بر  
افروخته شد - و آتشبازی که مضمار آتشین سنایش آن بوی  
چوبین خامه نور دیده نیاید بروی کار آمد - پس از تماشای آن  
بروم هر سال ده هزار روپیه باریاب استحقاق عطا فرمودند \*

شانزدهم [ شعبان ] محمد باقر ملازم نهرست صحیفه مبارک و معالی  
پادشاهزده محمد بزرگ زیب بهادر از دکن آمده عرضه داشت  
آن بخت بیدار مشتمل بر خبر ولادت پسر نیک اختر بتاریخ سلخ  
رجب [ ۱۰۵۳ ] و الذماس نام با هزار مهر نذر گذرانید -  
اعلی حضرت بمحمد معظم نامور گردانیدند - و محمد باقرا  
بخلمت و انعام یک هزار روپیه نوازش فرموده رخصت دادند - و  
مصحوب او خلمت خاصه پادشاهزاده والا مقدار عنایت فرموده  
فرستادند - و صید پاک گوهر شب پنجشنبه غره شعبان مذکور که از  
دختر شاه نواز خان صفوی بوجود آمده بود و از دیگر عرضه داشت  
آن بخت بیدار بمصامع حقایق مصامع رحید بزینت الغما بیگم  
موصوم گردید \*

### توجه خدیو هفت اقلیم خداوند تخت ونیهم از دار الخلافه اکبر آباد بدار السعادت اجمیر

چون از طهارت طینت - و نظانت فطرت - محبت برگزیدگان  
هرگاه احدیت - فطرتی این فرازنده هریر فرمان گزارای امت و  
جیلوی این فرازنده انسر جهاندارای - و به ذات ذات البرکات حق

دهم [ رجب ] غمخواران دولت الله ووردن بخان را بخانیت و تقوی  
خدمت داروغگی نیل خانه سر بلندی بخشیدند \*

بیست و یکم [ رجب ] اکرام خان ولد امام خان نیکو  
بانهام هفت هزار روپیه - و نوالقدر خان بمرحمت نیل مهابادی  
گشاند \*

بیست و چهارم [ رجب ] برادر پند سال نیل از حلقه خاصه  
و بملا ملا الملک ماده نیل عطا فرمودند - خوشحال بیگ کاشغری  
بانهام دو هزار روپیه کامیاب گشت \*

شب بیست و هفتم [ رجب ] برهم - نین ماضیه ده هزار  
روپیه مستحقان و محتاجان تقسیم یافت \*

سیوم شعبان شیخ عبد الصمد عمودی بعنایت خلعت و شمشیر  
و مهر براق طلای میناکار و انعام چار هزار روپیه کامیاب صورت و  
معنی گشته بمکه مکرمه مرخص شد - از زمان ملازمت تا آزان  
معاوضت مبلغ بیست هزار روپیه از نقود و ارانی طلا و نقره و جز آن  
از سرکار معلی - و همین مقدار بحکم اقدس از پادشاهزادهای و الاگوهر  
و نوینان عالی قدر بشیخ مذکور رسیده دامن امید او برآمد \*

هفتم [ شعبان ] رای رابان فیلی پیشکش نمود - و چون از  
دیوبند آرزوی انزوا در معموره بنارس که از معابد عظیمه هند  
است داشت درین تاریخ رخصت یافت \*

هوازدهم [ شعبان ] خواجه ابوالبقا برادر زاده عبد الله خان  
بهاندر فیروز جنگ بمنصب هزاری ذات و پانصد حوار از اصل و  
اضافه سر انداز گردید \*

عرش آشیانی است بامر معلی سید جلال صدر الصدور و عاقلخان میر سامان بروضه مقدس آن غفران دستگاہ رفته به آئین سنگین مخالفه ده هزار روپیه بگروهی از صلحا و فضلا و حفاظت قسمت نمودند و بسیاری از نیازمندان از اطعمه و حلای بهره برگرفتند \*

بیست و پنجم [ جمادی الثانیه ] اعلی حضرت برای رویت هلال برج اقبال سلطان جهان شکوه بمنزل مهین پور خلعت تعریف فرمودند - آن والا گهر به مراسم پا انداز و نثار پرداخته اصناف جواهر و اقسام نفایس پیشکش گذرانیدند - و متاع یک لک روپیه شرف پذیرائی یافت - و در وجه رونمای آن فرخنده نقاشی تسبیح لالی که اعلی چند نیز داشت مرحمت شد - و بحکم مقدس مهین گوهر دریای عظمت بسید خان جهان و عبد الله خان بهادر فیروز جنگ و اسلام خان و اعظم خان خلعت فاخر با چار قب مخیل طلا دوزی و جندهر مرصع - و بصدر الصدور سید جلال و موسوی خان و جعفر خان و راجه بیاتلداس و ملا بیب خان خلعت با فرجی -

بچهل کس دیگر خلعت دادند - اینان نخدمت در خدمت اقدس و بعد از آن پیش پادشاهزاده نامدار تسلیحات عنایت بجا آوردند - خدیو نجاتین شب هنگام بعد از تماشای چراغان که در نهایت زیب و ضیا بر گذار آب چون تریب یافته بود بدولتخانه والا مرابعمه فرمودند - خواجه معین میر سامان آن گوهر محیط افضال چون چراغان نیکو سرانجام داده بود بعنایت ماده نیل مر بلند گردید \* پنجم رجب مرشد قلی میر آتش نیز بعنایت ماده نیل نوازش یافت \*

پیش از طلوع آفتاب و نیم گرمی بعد از غروب که نزد قدماء اهل  
 قاجار داخل شب امت از عدد گرمیهای شب کلمه بر عدد گرمیهای  
 روز افزودند - چنانچه نهار اطول در دارالخلافه اکبر آباد سی و شش  
 گرمی - و در دارالملک دهلی سی و شش و نیم گرمی - و در دارالمطمنه  
 قهور سی و هفت گرمی و در دارالملک بجل سی و هفت و نیم گرمی  
 و در خطه کشمیر سی و هشت گرمی - و در بلاد در تاجان سی و پنج  
 گرمی - و قدر لیل انصر در هر یکی از این بلاد تنه شست که عدد  
 گرمیهای عباد روزی احدی قرار یابند \*



## آغاز فرخنده سال هفتم از دوم دور چلوس سریر ارای جهانپائی حضرت صاحب قرآن ثانی

المنه لله که بهزاران میمنت و مسرت روز دو شبه غره جمادی  
الثانیه سنه هزار و پنجاه و سه مطابق بیست و پنجم اسرداد و افتتاح  
هفتم سال خجسته فال دوم دور روی نمود - نشاط را روز بازار دیگر  
شد - و انبساط را با دلها سرور کار دیگر - درین تاریخ سید خانجهان با  
پسران از تیول خود گویبار آمده دولت اندوز کورنش گردید - و  
هزار مهر نذر گذرانید تا در بعنایت خلعت خاصه - و هر کدام از  
پسرانش سید شبر زمان الحسید منور بعتاء فیل سر بلند گردیدند -  
بمیر جمفر موسوی مشهدی هزار و پانصد روپیه عنایت شد .

هشتم [جمادی الثانیه] اجمیری ملازم سر جویدار اقبال  
پادشاهزاده محمد شاه شجاع بهادر که پیشکش آن نامداز آورده بود  
خلعت و امپ سر بر افراخته به بنگاله دستوری یافت - و آن  
کامگار بخت بیدار خلعت خاصه و جواهر و مرصع آلات یک لک  
روپیه همراه موسی الیه فرستادند - و دو لک روپیه نقد از  
خزانة بنگاله مرهمت فرمودند - چومرغان بعنایت فیل سر  
برافراخت .

شب نوزدهم [جمادی الثانیه] که تاریخ شفقار شدن حضرت

مساوات بهم می رسد شماره گریهای روز و شب متساوی اعتبار  
 نموده اند - و در غیر این که مقدار روز و شب متفاوت می گردد  
 عدد گریهای شب از روز بفرزونی و کمی مقدار لیل و نهار می آهند و  
 می افزایند - چنانچه در عرض دارالسلطنه لاهور عدد گریهای نهار  
 اطول بسی و پنج و لیل اقصر به بیست و پنج می رسد - و بر طبق  
 این ضابطه عدد گریهای روز و شب بعمل می آید تا آنکه جمعی از  
 مهندسان این فن دقیق که بحلیه اعلام متجاری بودند برای ضبط هنگام نماز  
 فجر و مغرب آغاز روز پیش از طلوع آفتاب به یک ونیم گری و ابتداء  
 شب بعد از غروب به نیم گری مقرر داشته علامت تعیین آن گجر  
 گردانیدند - و این دو گری را از اجزاء شب کاسه بر اجزاء روز بسویست  
 افزودند - و پیمانته گری را بنهجهی درست نمودند که در عرض لاهور  
 موافق قاعده نجومی نهار اطول از سی و پنج گری و لیل اقصر از بیست  
 و پنج متجاوز گشت - و ازین رهگذر گریهای روز و شب در مقدار  
 متفاوت گردید - و چون درین وقت ضابطه مذکوره بر پیشگاه خاطر صواب  
 ناظر خاقان جهان که در جمیع شئون عدالت و عدولت که قسطاس  
 نظام عالم و اساس قوام بنی آدم است منظور و ملحوظ دارند -  
 پرتو افکند - و تفاوت گریها بر فراز ظهور برآمد - از القاء ربانی و الهام  
 آسمانی قانونی دیگر که باعث ارتفاع تفاوت مقدار گریها و اختلاف  
 پیمانته موجب تشخیص وقت صلوة فجر و مغرب برواق سنت  
 سنیه گردید بفرز فرمودند - و آن این است که وقت فواختن  
 گجر صبح و شام را بدستوری که گزارش یافت بحال داشته پیمانته  
 گریهای لیل و نهار متساوی المقدار گردانیدند - و یک و نیم گری

روپیه - و باحمیل خواجه هزار روپیه مرحمت فرمودند - و اهل  
طرب باانعام مقرر سرفراز گشتند \*

دوم جمادی الاولی خواجه محمد چوره اقامی بعباد هزار روپیه  
کامیاب گردید \*

دهم [ جمادی الاولی ] مید صدقه بمرحمت ماده فیل سر  
برافراخت - بدلاور دکلی دویست مهر و بمیر ماه که از ساروا الذهب  
بآستان معلی رسیده بود در هزار روپیه انعام شد \*

### ولادت باسعادت سلطان ممتازشکوه

بمبلغ ماه جمادی الاولی مذبح هزار و پنجاه و سه هجری  
مطابق بیست و چهارم اسرداد بعد از هجری شدن هفت ساعت  
و هفت دقیقه از شب یهشده مهین گوهر بحر خلانت را از دختر  
نیک اختر سلطان پرویز گرامی پسری بوجود آمد - اختراچ جهانپانی  
هزار مهر بعنوان نذر از نظر خورشید اثر خدیو گیتی پرور گذرانیده  
التماس نام نمودند - حضرت خاقانی به ممتازشکوه فامور گردانیدند  
و از سرکاروالا برای تهیه سواد جشن مبلغ در لک روپیه انعام  
فرمودند \*

### گذارش قانون مجدد در تعیین گریه‌های شبا روزی

بر پژوهندگان دقیق انجم و آنک پوشیده نماند که ستاره شناسان  
هندوستان روز و شب را باتمام شستگانه متساویه منقسم ساخته هر  
قسمی را گری نام نهاده اند - و آغاز لیل و نهار از طلوع و فرود  
آفتاب قرار داده هنگام اعتدال ربیعی و تقریفی که در روز و شب

اعتبار بر آراسته بوطن مستوری یافت - پیشکش معتقد خان  
 نیل بنظر اندس در آمد - خلیل الله خان از گوهسار هردوار  
 در آنجا بیعت و نه نیل خرد و بزرگ از نرو صاده صید نموده بود  
 بدرگاه معالی آمده شرب اندوز ملازمش گشت - میر رجب  
 ملازم عادل خان بعنايت خلعت و اسب با زین نقره و هفت  
 هزار روپیه نقد نوازش یافته به بیجا پور مرخص گردید  
 و نیل و حلقه خاصه با یراق نقره و جل مخمل زربفت و  
 ماده نایل و پاندان سرخ - گران بها مصحوب مظفر حسین  
 داروغه عدالت که درینوا خدمت مزبور از تغیر او بقاد علی  
 میدانی مقوض گشت بعادل خان مرحمت فرموده فرستادند -  
 و بیعت اسب پادشاهزاده والا گهر محمد اورنگ زیب بهادر نیز  
 همراه از ارسال داشتند - و مظفر حسین هنگام رغبت بعنايت  
 خلعت و اسب مباحی شد - درین جشن فرخنده نظر بهادر  
 خوبشگی باضافه پانصد سوار بمنصب سه هزاری سوار -  
 و سعد الله خان باضافه پانصدی صد سوار بمنصب هزار و پانصدی  
 سوار و بمرحمت نیل از حلقه خاصه - و سیادت خان برادر  
 ایام خان باضافه پانصدی ذات بمنصب هزار و پانصدی چارصد  
 سوار - و حقیقت خان باضافه پانصدی ذات بمنصب هزار  
 و پانصدی سو صد پنجاه سوار - و حاجی محمد یار اوزبک از  
 اصل و اضافه بمنصب هزار و پانصد سوار عزتبخار اندوختند -  
 شیخ عبد الصمد عمودی بمرحمت اسب با زین نقره و ماده نیل  
 مقنصر گردید - بمیر جعفر خویش میر فتح الله شیرازی پنج هزار

نهم [ ربیع الاول ] پیشکش ذوالقدر خان حارس عموزین چارده  
اسب از نظر اقدس گذشت \*

شب دوازدهم [ ربیع الاول ] مجلس میلاد رهنمائی گم گشتگان  
پوادمی ضلالت - خاتم و فاتح باب نبوت - علیه افضل التحیات والصلوات  
مذموم گردید - و دوازده هزار روپیه منور بارباب استحقاق رسید \*

بیست و پنجم [ ربیع الاول ] به نونهال چمن اقبال سلطان  
سایمان شکوه قیل خردی با یراق نقره عنایت شد - سود لطف  
علی بحراست قلعه کانگره نوازش یافت \*

### خجسته جشن قمری وزن

روز مبارک در شنبه دوازدهم ربیع الثانی سنه هزار و پنجاه  
و سه مطابق هشتم تیر بزم آرایان حریم سلطنت محفل صیغیت  
افرای قمری وزن انتهای سال پنجاه و سیوم و ابتداء سال پنجاه و چارم  
از سنین زندگانی جاردانی آرایش دادند - خادان بحر افضال  
بعد از وزن مبارک بطلا و دیگر اشیاء معهوده بر سر بر صرغ جلوس  
نیرموده ابواب جود و سخا برکشادند - درین روز صورت امروز پیشکش  
گوهر اکلیل خلافت پادشاهه محمد شاه شجاع بهادر سی قیل  
با یرق نقره بیست و چهار نر و شش ماده و اصناف افشه و  
و دیگر نفایس پیکاله که از انجا مصحوب اجمیری و غیره ملازمان  
خود ارسال داشته بودند - و قیمت مجموع سه اک و بیست هزار  
روپیه شد بنظر اقدس درآمد - بکسان آب بخت بیدار دوهزار روپیه  
انعام شد - راجه حسونیت سنگه بمناییت خلعت خاصه قامت

پانصدی چارصد سوار بلند پایه گردیدند - و حکیم حاجق باضافه  
ده هزار روپیه بسالیانه سی هزار روپیه کلم اندوز گشت - و باهل  
طرف انعام مقرر رسید .

نوزدهم [ محرم ] اعظم خان و خلیل الله خان بعفایت خاست بلند  
پایگی یافتند - و اعظم خان بمتمرا و خلیل الله خان بصوبه کمانون  
و هر دو تا از اخیال نرو حادیه آنحدود سید نمایند مرخص گشتند .  
بیست و چهارم [ محرم ] میرزا سلطان ولد میرزا حیدر صفوی  
را برای تهیه مواد ازدواج که بصیغه اسلام خان مقرر گشته بود بانعام  
ده هزار روپیه کامیاب گردانیدند - به داند بیگ ملازم سیاوش  
پنج هزار روپیه - و بسید صدقه چار هزار - و به محمد پیرک هزار و  
پانصد - و به یکی از نظر بیگ کلیاه و میر طالب خویش حاجی  
عاشور هزار روپیه - رحمت نمودند .

شانزدهم صفر بمهین پور خلافت فیل از حلقه خاصه دل مردان  
نام با براق نقره و ماله فیل عذایت شد - جانسپار خان بعفایت  
خدمت و نوجنداری سرکار مقدمور از تغذیر نور الفقار خان فرق  
مباهات برافراخت .

هژدهم [ صفر ] راجه بنده لانس را بمرحمت اسپ از طوبله  
خاصه با زین مطا برنواختند - پدشکش عادلخان از جواهر و سرمع  
آلات و نه فیل که مصحوب میر رجب ملازم خود بدرگاه خوانین سجده  
گاه ارسال داشته بود بنظر اقدس در آمد .

فردا ربیع الاول سمرالهاک بخلعت و خدمت دیوانی سوبه  
کجرات و ماده فیل مفتخر گشته دستوری یافت .

به پرتو وزود بر اندروخت - فردای آن خاقان مقضال ابرئوال نیز اورنگ خلافت جلوس فرموده جهانپان را بگام دل رسانیدند - و رسم آزار جهان برگرفتند •

پنجم محرم [ سنه ۱۰۵۳ ] بمنزل مهین گوهر بحر جمال که متصل حصار فلک رفعت دار الخلاء بر ساحل دریای جون در کمال دلگهائی و روح افزائی انجام یافتند بر سفینه دولت تشریف فرمودند - پادشاهزاده یانک اختر باقامت مراسم با انداز و نثار پرداخته اصناف جواهر و مرصع آلات و دیگر رغایب محبوبات پیشکش نمودند - و متاع یک لک روپیه پذیرفته آمد •

هفتم [ محرم ] پیشکش اعظم خان انواع نفایس بنظر اکبر اثر در آمد - و متاع دو لک روپیه به پذیرائی رسید - ده هزار روپیه مقرر عشره اولی این ماه بمستحقین عطا فرمودند •

یازدهم [ محرم ] پیشکش شایسته خان هفت فیل فرو ماده یا لختی دیگر اشیا از نظر اقدس گذشت - بشیخ عبد الصمد عمودی بان با پاندان طلا و ارگچه با پیاله و سرپوش زرین و چهار هزار روپیه نقد عنایت شد •

هزدهم [ محرم ] که روز شرف بود پیشکش امام خان از نظر فیض کسرت گذشت - و متاع یک لک روپیه بدرجه قبول رسید - درین نوروز آنچه از پیشکش پادشاهزاده کامگار و امراء نامدار شرف پذیرائی یافت قدمت آن نه لک روپیه شد - و پانخان میر بخشی باضافه هزارین ذات بمنصب چار هزاری دو هزار سوار - و مراد کلم فبیرک میرزا و ستم صفوی باضافه پانصدی ذات بمنصب هزار و

غیر از نماز بدرتخانه و لا مراجعت نموده بذات اقدس سنت قربان  
 بنادیم رسانیدند - و در ذهاب و مسجی رسم نقار بفعل آمد .  
 یازدهم [ ذی الحجہ ] شایسته خان ناظم صوبہ بہار بصوبہ دار  
 لہاباد از تغیر عبداللہ خان بہادر فیروز جنگ فرق عزت ہر امتراخت  
 و اعتقاد خان کہ جوہپور از تغیر فرمودہ بشاہ نواز خان مرحمت  
 نمودہ بودند - چنانچہ در سال پانزدہم گذارش یافت - بنظم صوبہ  
 بہار از تغیر شایستہ خان مفتخر گردید - و بانضمام ہزار سوار  
 بمنصب پنجہزاری پانچہزار سوار نوازش یافت - چون از عبد اللہ  
 خان کہ منبع احسان این دولت خدا داد ازل بنیادست نامہ پامی  
 و حق نشانی روز بروز بہطور می بدوست - درینوا او را از  
 منصب و جاگیر باز داشتہ یک لک روپیہ سالانہ او مقرر  
 فرمودند .

شانزدہم [ ذی الحجہ ] شیر خان ترین را کہ چندی منصب  
 و جاگیر ازو باز گرفتہ بودند مشمول عذابت گردانیدہ بمنصب  
 سابق کہ در ہزاری ہزار سوار بود ہر امر از ساختند .  
 بیست و ششم [ ذی الحجہ ] خلیل بیگ تہانہ دار غور بند و  
 خیراک از اصل اضافہ بمنصب ہزاری ہفتصد - وار سباهی  
 گشت .

### گذارش نوروز

عقب تنبہ منخ ذی الحجہ - ندہ ہزار و پنجاہ و دو بعد از گفتن  
 ہفت ہفت ہفت و یکدقیقہ خوردنیک جهان امروز بیست و ہفتگ حمل .



مبلغی بقدر حاجت بر تو میم این بقاع صرف نمایند - و باقی را در مصارف معهوده از علوفه سالیانه داران و ماهواره خواران و آشی و نانی که بجهت سنه و خدمه و عواکف و خوادم این مکن والا شان و دیگر محتاجان و بی نوایان مقرر امت خرج کند - و هر چه زیاده آید در باب آن خلیفه وقت که تولیت این بقعه فیض بوی تعلق دارد آنچه مناسب داند بفعل آرد

بیست و سیم [ ذی القعدة ] راجه بدینلداس بعنایت فیل از حلقه خاصه سر انراز گشت - مرشد قلی بخدمت داروغگی توپخانه و کوتوالی عسکر نصرت لوا از تغیر غضنفر ولد الله و پردی خان مدهی گردید •

بیست و نهم [ ذی القعدة ] به محمد مومن حدادبی دو هزار روپیه عنایت شد •

غرا شهر ذی الحجه پادشاه حق آگاه بروضه خلد آئین حضرت عرش آشدانی تشریف برده بعد از آداب زیارت ده هزار روپیه باصحاب استحقاق انفاق فرمودند •

هشتم [ ذی الحجه ] شیخ عبدالصمد عمودی که شریف مدینه از را بعنوان سفارت با کلید بیت الله بشگون کهایش اذالیم هفتگانه روانه آستان خواتین مکان ساخته بود : سعادت ملازمت اقدس اندوخته کلید گذرانید - بعنایت خلعت و الهام چهار هزار روپیه کسباب گردید •

دهم [ ذی الحجه ] حضرت خانقانی با نر ایزدی بر فیله آسمان حار نصرت نهان نام بعیدگاه تشریف فرمودند - و بعد از

ابعث بطول نه ذراع و عرض پنج : پیش ایوان چبوتره بطول  
 پهل و شش ذراع و عرض ۵ - جنوبی ضلع باغ حرام ایوان در  
 ایوان است - رو بشمال به عرض دوازده گز - در درکنج این ضلع دو  
 برج است قرینگی برجهایی کرسی سنگ سرخ - در وسط ضلع  
 مسطور دروازه روضه - بربر آسمان بر انداخته - قطر سطح گنبد  
 دروازه که منمن بغدادی است شانزده ذراع است و جانب  
 شرقی و غربی گنبد دو نشیمن است بشکل نیم منمن - هر یک  
 بطول هفت گز و عرض چهار که سقفش نیم گامه است - و هزار  
 زاویه صمات دروازه چار خانه مربع در طبقه واقع است نامی مسجد  
 بطول و عرض شش ذراع مشتمل بر چار نشیمن نیم منمن - در هر  
 شمالی و جنوبی این عمارت دو پیشطاقی است هر یکی بطول  
 شانزده گز و عرض نه و ارتفاع بیست و پنج - و در سمت شرقی و  
 غربی دو پیشطاق است - هر کدام بطول دوازده گز و عرض هفت  
 و ارتفاع نوزده - بر فراز روی کار دروازه جانب درون و بیرون هفت  
 چوکنندی است که کلاه آن از سنگ مرمر است - در چار کنج  
 این عمارت چهار منار در کمال تکلف و زیبایی است - جدران باغ  
 و عمارات و دیوار آن از درون و بیرون و فرش عمارات و شرفات محیطان باغ  
 که اینها بر چرخ رسیده و در آن سنگ مرمر و سنگ سیاه پرچین شده  
 همه از سنگ مرمر انجام پذیرفته است - پیش دروازه چبوتره  
 است بطول هشتاد ذراع و عرض سی و چار - و جلوخانه بطول  
 در بیست و چار ذراع و عرض صد و پنجاه - در اضلاع چارگانه جلوخانه  
 صد و بیست و هشت حجره است - متصل دیوار باغ در حوض

و غرض مسجد از سنگ سرخ مرتب ساخته - و سنگ زرد و سنگ  
 میاه در آن پرچین نموده شکل جای نماز نمایان گردانیده اند -  
 پیشتر آن چبوتره است بطول هفتاد ذراع و عرض بیست - پیشتر  
 چبوتره حوضی بطول چارده ذراع و عرض ده - محسن روح افزایش  
 عبادتگاه اوتان - و فضای دلگشایش سجده جای عباد - شرقی  
 روضه مطهره مهمان خانه است قرینة مسجد که در حرم جزئیات  
 و خصوصیات مانند آنست - مگر آنکه دیوارش محراب ندارد و فرشش  
 از گاهی نماز نیست - در چهار کنج کرسی سنگ سرخ چهار برج  
 توپخانه طبقه واقع شده - و طبقه میوم آن گنبدی سقف است - کلاه  
 درون از سنگ سرخ است - و از بیرون از سنگ مرمر - و  
 بهلوی هر برجی ایوانی است بطول دوازده گز و عرض شش -  
 که در دو جانب در حجره دارد - پایان کرسی سنگ سرخ باغی  
 است فردوس آئین بطول و عرض سه صد و شصت و هشت گز هشتاد  
 یا تمام ریاحین و انواع اشجار - در چار خیابان وسط باغ که بعرض  
 چهل ذراع است - نهری است بعرض شش گز - و در آن  
 فوارها از آب دریای جون جوشان - در منتقای انبار چبوتره است  
 بطول و عرض بیست و هفت گز - که نهر مذکور اطراف آن  
 گشته - و در وسط چبوتره حوضی است بطول و عرض شانزده گز - و  
 در آن پنج فواره نصب شده - فرش خیابانهای این نمودار چنت  
 از سنگ سرخ است که آن را بطراحی تمام گره بندی نموده اند -  
 در هر یکی از ضلع شرقی و غربی باغ ایوانی بطول یازده گز و  
 عرض هفت یا دو هجده بنا یافته - و عقب ایوان طلم

نقار از چادر کار و صنعت گران مانی آثار در پرداخت آن بدینصورت  
 نموده اند - با قلم اشجار و مداد بجا انجام نگیرد - و صورت اختتام  
 نپذیرد - سابقا درین مکان حجری بود از طبری سینا کار که چهل  
 هزار توله وزن داشت - و سایر اک رویده قیمت - چنانچه در تضاعیف  
 سوالح مال ششم از دوز اول نکاشته آمد - خدیو عاقبت الدیش مال  
 سنگ از نور بینی و حرم گزینی بمتصدیان مهمات عمارت روضه منوره  
 حکم فرموده بودند که حجر از سنگ مرمر بکیفیتی که گزارش  
 یافت آماده سازند - و چون در عرض ده مال بصرف آن ده هزار  
 ریخته صورت انجام گرفت - درینوقت بموجب حکم اتدس بجای حجر  
 زر ناب نصب نموده اند - کتابه درون و بیرون روضه مقدس که سر  
 قرآنی و آیات رحمانی و اسماء حسنی و ادعیه مأثوره است بلهجه  
 هرچین کاری شده که حضرت امزای - اکفان عرضه خاک بل معتکفان  
 خطه افلاک است - و نگارش توصیف منبت این بغای زامن البندان  
 ثابت الارکن و کرمی آنرا نامه جداگانه باید - غزلی روضه منوره  
 بر کرسی سنگ سرخ مسجدی است که چشمه از سنگ مزبور  
 بطول هفتاد ذراع و عرض سی مشتمل بر سه گنبد که آن هر سه  
 از درون از سنگ - رخ است و از بیرون از سنگ مرمر - گنبد میانه  
 بقطر چارده ذراع است - و هر یکی از دو گنبد دیگر بقطر یازده -  
 گنبد میانه پینشپاتی دارد بطول چارده ذراع و عرض ده و ارتفاع  
 بیست و یک - پیش هر یکی از دو گنبد طرفین خانه است بطول  
 یازده و عرض نه - حاشیه لزاره مسجد را از درون و بیرون بسنگ  
 مرمر و سنگ زرد و سنگ سیاه بطرح موج هرچین کاری نموده اند

تذکره معانی مصنفی هم ازین سنگ که شکر فکری پر چین آن  
 گزارش خواهد یافت - دروازه مسجد از سنگ یشم است بطرح یقین و صحت  
 که مفاصلش را به تکنهای آهنین گرفته آنرا زر نشان کرده اند -  
 و ده هزار روپیه بران خرچ شده - در این بنا برای عرض آسا کوچه  
 و قنادیل از طلای مینا کارتابان - هر چار طاق این گنبد مینوی  
 مثال برایای حلبی گرفته - در یکی راه آمد شد گذاشته اند -  
 در هر زاویه کرسی سنگ مرمر که از روی زمین بیست و سه گز مرتفع  
 است مناری ست زینده دارای سنگ مذکور بقطر هفت ذراع و ارتفاع  
 پنجاه و دو - از روی سطح کرسی مزبور تا کلمس که فرد بان پایه  
 افلاک است و بر فرق آن چار طاقی از همان سنگ - فرش کرسی  
 این روضه بهشت آئین از سنگ مرمر است - و فرش روضه را  
 بسنگ مرمر و سنگ سیاه که ایام و لیالی از آن رنگ پذیرد گره  
 بندی نموده در کمال زیبایی و خوش نمایی مرتب ساخته اند -  
 در تمامی عمارات این روضه از درون و بیرون صنایع عجوبه پرداز  
 سحر طراز عقیق و دیگر اقسام سنگهای رنگین و احجار نمین که  
 جواهر اوامش در ظرف بیان ننگند - و آلی نعمتش میزان زبان  
 ننگند - از فروغش خورشید جهاندا نورانی - و از لمعاتش صبح  
 گیتی امروز روشن پیداشانی - آنچه چنان پر چین نموده اند که دیدار  
 یازیک بین بدقائق آن نرسد - و فکر دقیقه رس در ادراک بدایع  
 آن در ماند - و گزارش کیفیت و کمیت صنایعی که در پرچین  
 کوی چبوترا مرقد و مسجد دروش که از انعکاس نقوش بدیده آب  
 دیده مهر نگارین است و دامن شهر بهارین - بکار رفته

که از سطح عمارت عالی و دوگزم مرتفع است - ~~نشانگر~~ ~~مرد~~ بطرح قالبی  
 کروی برآمیده بکار برده اند - و پهنای این گنبد که همان پهنای  
 قفسیان منور است گنبدی دیگر آسمان گرای امرودی شکل که  
 سهندس فلک در ادراک این درجات دقایق آن مرکز آن است بر  
 اینراخته اند - و بر فرق این گنبد گردون پایه که دور منطقه آن  
 دیده گز است کلسی به بلندی یازده گز از زرناب که چون خورشید  
 تابان است نصب ساخته - از روی زمین تا مرکز کلس صد و هفت  
 گز است - درون گنبد در اضلاع هشتگانه آن هشت نشیمن دو  
 طبقه هر یک بطول پنج و نیم ذراع و عرض نه و پنج - و در  
 جهات اربعه چهار خانه مربع در مرتبه است - هر کدام بطول و  
 عرض شش ذراع محتوی بر چهار نشیمن که درازگی هر یک چار و  
 نیم ذراع است - و پهنای سه - پش هر خانه مربع پیشطاقی است  
 بطول شانزده ذراع - و عرض نه - و ارتفاع بیست و پنج - و در  
 زوایای اربعه چهار خانه مشتمل است - سه درجه هر خانه بقطرده  
 ذراع مشتمل بر هشت نشیمن - و درجه سیوم این خانه ایوانی  
 است مشتمل گنبدی سقف - در سه ضلع این بیوت مشتمل جانب  
 بیرون سه پیشطاقی است - هر یکی بطول هفت و عرض چار و  
 ارتفاع ده - میانه گنبد مضجع فیض مرتع آن قدره مطهرات -  
 اموات مقدسات - مسند گزین فرخوس برین صدر نشین منازل  
 عالیین - مسفونده رحمت و غفران - ملافونده مغفرت و رضوان است -  
 و بالای تربت جلته منازل چهل و نه است از سنگ مرمر که فرس  
 آن زیورده قبر نمایان ساخته اند - و بر دور آن مسجری مشتمل

اینها را که حفر کرده است بر دریای جون و دریاى مزبور شمالی سو  
 متصل آن جاری آنگاه حفر نموده آمد - و پس از آن که بیله اول  
 آهنی دست قوی بازو بجد کاری تمام بآب رسانیدند - بناها را بدیع  
 کار و معماران شگرف آثار اساس را بسنگی ~~بناها را~~ در کمال متانت  
 و رعایت پر آورده بصطح زمین برابر ساختند - و بر فراز اساس کرسی  
 زوجه معانی که از ریاض رضوان حکایت کند و از حظایر قدس  
 نغان دهد - باجر و آهک چوبتره آسا بطول سه صد و هفتاد و چهار  
 و عرض صد و چهل یک لغت نموده شانزده ذراع مرتفع گردانیدند  
 و گروهها گروه مردم از سنگتراش ساده کار و پرچینگر و صلبت کار که از  
 اطراف و اکناف ممالک محرومه در اجم آمده بودند و هر کدام در صنعت  
 خویش ید طولی داشت با دیگر عمده بکار پرداختند - و روی کار آنرا  
 بسنگ سرخ تراشیده که اقسام مذایع بدیعه از صلبت کاری و پرچین  
 کاری در آن بر روی کار آمده و چنان بهم پیوند یافته که نظر دقیق  
 بدرز آن نمی نمود - بر آراستند - و فرش آنرا از سنگ سرخ گره  
 بغدادی نموده مرتب ساختند - در وسط این کرسی فرش مرتبست  
 کرسی دیگر که روی کارش از سنگ مرمر است یک لغت مسطح مربع  
 بطول و عرض صد و بیست ذراع و ارتفاع هفت بر افراشته شده -  
 و در وسط کرسی دوم عمارت روضه فلک های خلد آسا بقطر هفتاد  
 ذراع بطرح مثنی بغدادی بکرسی یک گز بنا یافته - گنبد مرقد  
 فیض مورد که در حاق این عمارت است و سراها از درون و بیرون  
 از سنگ مرمر انجام پذیرفته از سطح تا اتمن است - بقطر  
 بیست و دو ذراع - و زهرا مقربس ساخته اند - و از زهرا تا شمس گنبد

بالحکم و الامر و زین نموده ششم هزار و پانصد روپیه همگشایان  
فقط فرمودند - بمراد بیگ مکرمیت هزار روپیه مرحمت شد .

لعمریه [ فی القمه ] خدیو مهر گنجینه ملزل امیر الامرا و لیدرین  
خان را که خانگه بیگ خان بود و بطریق عاریت بخان و الامرا  
مرحمت شده بقیض قدم صیمنت لزوم سرود برکات آسمانی  
گردانیدند - او بعد از تقدیم مراسم با انداز و نثار اصناف امتعه  
پیشکش نمود - در مذاح یک اک روپیه بشرف پذیروائی رسید -  
درین روز حویلی اعتماد خان که پادشاهی اقدس نموده بود بامیر  
الامرا عنایت شد روز دیگر او را در مرحمت خلعت خاصه و خنجر  
نصرع باهولکناره و در اسب از طریق خاصه با زمین طلا و مطلق و  
فیل از حلقه خاصه با یراق نقره و جل مخمل زربفت و ماده فیل  
برنواخته و خصص انصراف بصوبه کابل دادند .

شب هفدهم [ فی القمه ] مجلس عرس حضرت مهد علیا  
ممتاز الزمانی در روضه منوره آر محفونه مغفرت و رضوان که  
در بنوا با تمام رسید و چگونگی آن نگارش می یابد منعقد گردید -  
و لادب تقوی از نضا و ملحا و حفاظ و دیگر خدایان احتیاج و  
استحقاق بتلاوة قران و قراة فاتحه پدید آمدند - خادان دریا نوال بان  
مکان فیض نغان تشریف فرموده از بهجاه هزار روپیه مقرر نصف  
درین محفل مذکور عطا فرمودند - و صدای آن باز تشریف برد  
نیجه دیگر باسات بذل نمودند .

### شرح عمارات روضه مطهره آنکه

در ابتدای سال انجمن جلوس والا بجهت تاسیس این بنیاد رفیع



درین روز بهمین روز خلافت فیل دیپ سندر از اقبال خامه که پنجاه هزار روپیه قیمت دارد بایراق طلا و ماده فیل که قیمت این مجموع نیز پنجاه هزار روپیه است عنایت شد - و علیمردان خان بعنایت خلعت خامه با نادری و جیفه مرصع و شمشیر مرصع و خطاب امیرالامرا و انعام یک کرور دام میباهی گشت - و مجموع تقاضایش با یازده کرور دام طلب منصب هفت هزاری ذات و هفت هزار سوار پنج هزار سوار در اسب سه اسب که درین دولت اید مدت بعد از رحلت یمین الدوله آصف خان خانخانان سپه سالار مغفور مبرور منتهای مراتب امرای عظیم الشان قرار یافته هوایزه کرور دام شد .

### جشن وزن مبارک شمس

روز پنجشنبه غره ذی القعدة سال هزار و پنجاه و دوم هجری موافق میوم بهمن کار پردازان بارگاه حشمت و اقبال مجلس شمس وزن اختتام سال پنجاه و یکم و افتتاح سال پنجاه و دوم از سببین درام قرین خاقان زمان و زمین آزادند - و آن بیکر دولت بطلا و دیگر اشیاء معهوده پر سخته آمد - و گروهی از فضله و صلحا و شعرا و ندما و اهل تنجم جیب خواهش به سیم و زر نثار بر آوردند و ارباب نشاط بانعام مقرر نوازش یافتند - راجه بیتهدا من باضافه هزاری ذات بمنصب پنج هزاری سه هزار سوار - و اختیار خان یفوجداری سرکارهت - و حیات خان از اصل و نضام بمنصب هزاری ذات و سه صد و پنجاه سوار اختیار گشتند - قاضی محمد

قرآنان بظواهر تفسیری شکار با هم متوجه گفتند و حکم شد که از روی  
معنی از راه راست به دارالملک دهلی رود \*

چهاردهم [ سوال ] ظاهر دارالملک مزبهر را بفرغ ماهچه  
رایت نصرت آیات منور گردانیده متصل قلعه که امینی حضرت  
بر ساحل دریای جون اساس نهاده اند نزل عمارت موصول  
فرمودند - و بعد از تماشای این قلعه و منازل آن که هنوز بقاصیت  
نرمیده گیتی تصرفات را که بخاطر درویدین هر تو افکند به کرمست  
خان که هم صوبه دار دارالملک دهلی است و هم کارفرمای آن  
عمارات ارشاد نمودند \*

پانزدهم [ سوال ] بزیارت روضه مقدسه حضرت گیتی منانی  
جنت آشدانی برداشته و برسم مایهون باغ پنج هزار روپیه بخدم و  
مستحقین آن مکان خلد نشان داده بفرید آباد نزل اجال فرمودند  
و مکرمتخان بخلافت سر بر افراخته دستوری مراجعت دارالملک  
یافت \*

شدهم [ سوال ] در حوای موضع چاند پور در انبای راه برقی  
هر سه تاده شیرینر ماده بتفنگ شکار خاصه شد \*

بیستم [ سوال ] نواحی منهره معسکر اقبال گردید \*

یست و چهارم [ سوال ] ( ع ) بساعتی که تویی کند بدو تقویم  
دار الخاند بوزر محمود فیض آمون گشت - و راجه بینهلداس  
نحاس قلعه دار الخاند و دیگر بندگان درگاه و اجاه اسلام عقیده  
ملک رتبه نمودند - عمای مردان خان ناظم کابل که بحکم اقدس از  
پشاور آمده بود شرف زمین بوس دریاوت - و هزار منی نذر گذرانید

توسط این ایوان حوضی است چارگز در سه بطرح آبجوش - و آب  
 نیز تون ایوان سرپوشیده گذشته بطرف شمال بیاب میوه که در طول  
 و عرض مساری باغ فرج بخش است برمی آید - و سوای این  
 منازل بجهت اهل محل خواص پوره است - عمارات این باغ فیض  
 انما آنقدر است که هرگاه خدیو زمان با پروگیمان مشکوی اقبال که  
 در دار السلطنه لاهور شرف اندوز حضور سراسر نور می یافتند  
 باین عسرت کده تشریف می فرمایند - احتیاج بخیمه نمی شود  
 مخانی آسمانی این باغ بصرف شش لک روپیه انجام یافته .  
 متصل این باغ دلنشین بساتین اهل محل است - و چون آب  
 نهری که باهتمام مردم علیمردان خان بصرف یک لک روپیه انجام  
 پذیرفته بود چنانچه باید نمی آمد صد هزار روپیه دیگر بدفعات  
 حواله بندهای جد کز شد تا آب خاطر خواه برسد - کار پردازان  
 از بی وقوفی و عدم مهارت ازین جمله پنجاه هزار روپیه بر مهت  
 نهر سابق بی جا خرچ نمودند - آخر کار بصوابدید صلا عماد الملک  
 که در آب تر از شناسائی تمام دارد پنج کوره راه از نهر آورده  
 علیمردان خان بحال داشته می و دو کوره را فو بر نموده شد -  
 امروز آب وانر بی فتور بیاب میبرد \*

هشتم شعبان قلیچ خان و رلو متر مال درامت کورنش اندوختند  
 چون خصایل حمیده و شمایل پهنیدند سلاله دودمان نبوت تبار  
 خاندان نقوت سید جلال بخاری گجراتی که لباس نصب او بطراز  
 حجاب مطرز است بر ضمیر صواب پذیر حضرت خاقانی چنانچه  
 باید پرتو ظهور افکند - فهم این ملا آن خدیب نسیب را در سلك

تعمیر نموده اند - و سربری از سنگ مرمر پیش آن منصوب ساخته  
 میریزد - و ازان بحوضی که در وسط این طبقه است و طولش هفتاد  
 و دو گز و عرضش هفتاد و دو ست و یکصد و پنجاه و دو فواره دارد  
 در می آید - و در وسط حوض چبوتره است بطول یازده و عرض  
 هشت - و در وسط گذار شرقی و غربی این حوض دو ایوان از سنگ  
 مرمر واقع شده - و در دو جانب وسط ضلع شمالی نیز دو ایوان از سنگ  
 مرمر است - آب از حوض میان این دو ایوان سر پوشیده گذشته و  
 سه آبشار چادری شده در حوض طبقه سیوم که طولش مطابق  
 عرض یک آبشار ده گز است و عرضش مطابق عرض هر یکی از دو  
 آبشار دیگر هشت گز میریزد - و چینی خانهای این آبشارها بسان  
 چینی خانهای آبشارهای باغ فرح بخش است - و در ضلع شرقی  
 این طبقه حمامی است پرچین کاری در نهایت نظافت و لطافت  
 مشتمل بر گرم خانه و سرد خانه که آب روان دارد - و رخت کن  
 وسیع طبقه سیوم که مرتبه ثانیه فیض بخش است در طول و عرض  
 و خیابانها و نهرین و حوض مربع وسط باغ مثل باغ فرح بخش  
 است - و تفاوتی نیست - الا آنکه در نهری که از جنوب سو بشمال رو  
 می رود سه قطار فواره نشانده اند و جمگی فوارهای این طبقه که  
 یکصد و چهل و سه است بارتفاع پنج گز از آب نهر می جهد - در  
 وسط ضلع شمالی این طبقه رو بجنوب عمارت دولتحانه خاص است  
 و آن ایوانی است پایه دار بطول بیست و پنج گز مشتمل بر سه  
 چشمه و عرض هشت و نیم ذراع محتوی بر یک چشمه - از راه این  
 ایوان از سنگ مرمر است و بنقاشی حیرت انگیزی بویان نوردان در

میانگین ایوان دوم سه آبشار هر کدام بعرض هفت ذراع شده در  
 حوض طبقه دوم که هفت گز مربع است و در وسط آن نوارک افشان  
 غیربزرگ در زیر هر آبشاری چینی خانه از سنگ مرمر در کمال  
 زیبایی ساخته اند - که روز بگذاشتن اوانی زرین مملوبگلهای رنگین  
 و شب بانروختن شمع کائوری نظر فریب تماشاگران میگردند -  
 و در وسط ضلع شرقی منزلی است که مطلع آفتاب - پهن خفاقت  
 است یعنی جهروکه دولتخانه خاص و عام پیش چهارک در جانب  
 یغزوان ایوان دیوانخانه مذکور است محاط بنوار دیوار مجصص و در  
 وسط ضلع غربی عمارتی است قریب آن که نشیمن ملکه زمان مالکه  
 دوران بیگم صاحب است - مابین این هر دو عمارت نهری است  
 بعرض هفت گز در خیابانی بعرض بیست و سه - و در وسط باغ در  
 منتهای نهرین حوضی است مربع بطول و عرض بیست و سه گز  
 و همگی نوارهای این باغ که صد و هفت است هفده در حوض  
 مذکور و نود در نهرها - در هر نهری قطاری با ارتفاع چار گز از آب  
 چاه میچوشد - و در هر کنج این باغ برجی است مشتمل بر شش  
 خانه گنبدی و بالای آن چوکنندی هشت پهلو از سنگ سرخ -  
 پیش آن ایوانی است سه چشمه نیم منمن - طبقه دوم که مرتبه  
 اولی باغ فیض بخش است طوالتش سه صد و سی گز و عرضش نود  
 و شش است - آب از حوض هفت گز مربع که نکاشته شد بطریق  
 آبشار برآمده به نهری که در سر آغاز این طبقه بطول درازده و  
 عرض هفت است و میان آن نرسی سنگ مرمر که هر چهار طرف  
 چینی خانهها دارد و آب از وسط آن جوشیده بهر جانبی ترانش میکند

حالت و حال دوام دولت مسالمت نمودند - و گروهها گروه مردم نهییده  
 و شهر که در خدمت اقدس بودند - و روم و عراق و ماوراء النهر دیده ما  
 معروف داشتند که چنین باغی تا امروز مرتب نشده و کسی ندیده  
 و نشان نداده - این باغ دلنشین نشاط افزا مشتمل است بر سه طبقه  
 طبقه علیا را بفرج بخش و وسطی را با مرتبه پایان که حکم یک  
 درجه دارد بقیض بخش موسوم ساختند - طبقه بالا که سه صد و سی  
 گز مربع است مشتمل است بر هشت دست عمارت چهار در اوضاع  
 اضلاع چهار گانه و چهار دیگر در چهار کنج - عمارت شمالی که آرامگاه  
 اقدس است و ازاره اش از سنگ مرمر و به نقاشی دلربای نگارگان  
 خانه است طبعی بطول ده گز و عرض هفت و در وسط آن حوضی  
 است منبت کار از سنگ مرمر چهار گز در چهار بطرز چشمه جوشان  
 و در دو بازوی آن دو حجره هر یکی هفت گز در پنج - و پیش  
 آن مراصر ایوانی است پایه دار سه چشمه بطول بیست و پنج ذراع  
 و عرض هشت و نیم - و پس آن شاه نشینی بطول شش گز و عرض  
 دو و نیم - آب نهر از جنوبی سو باین عمارت در آمده و تا حد این  
 عمارت سر پوشیده گذشته بیخ مرمری آرد - و به نهری به  
 پهلای هفت ذراع که در وسط خیابانی بعرض بیست و سه گز  
 مرتب ساخته اند در آمده بجانب عمارت ضلع شمالی این باغ که  
 از آنجا نیز از سنگ مرمر است و به نقاشی فرخ بخش بینندگان  
 و آن ایوان در ایوانی است پایه دار از هر چار طرف باز بطول  
 بیست و پنج ذراع و عرض هفت - و در درازا سه چشمه دارد و در  
 پهنای دو می رود - و از نخستین ایوان سر پوشیده جریان نموده - در چشمه

بیست و چهارم [ رجب ] رستم خان بسنجیل محتوی یافت -  
 نعل خان کلونت ملقب به گن مندر بمرحمت نیل سر بلند  
 گردید - پیشکش سرگروه ولندیزیک نیل بنظر انور در آمد -  
 شب بیست و هفتم [ رجب ] که بليلة المعراج موسوم است  
 برسم هر سال ده هزار روپیه باصحاب احتیاج و ارباب استحقاق بذل  
 فرمودند -

چهارم شعبان میر برکه که از اولاد قدوة الولیاء میر سید کلال بود  
 و بقدم بندگی این درگاه خواتین پناه و خدمت عدالت عسکر فیروزی  
 سر امرازی داشت از دار الفنا بدار البقا شتافت - وخواجه ابوالخیر  
 از نهایر پیشوای اهل طریقت مولانا یعقوب چرخي به تفویض  
 خدمت عدالت بر نواخته آمد - و مبلغ پانزده هزار روپیه حالفاً  
 او قرار یافت - درینولا چون معروض معلی گشت که عمارت باغ  
 فیض آگین فرورس آیین - که تاریخ اساس آن و حفر نهر در مطایب  
 سال چهارم این نور نگارش یافته - و اهتمام آن بعبده خلیل الله  
 خان بود - حسن انجام گرفته - باختر شناسان حکم شد که خجسته  
 ساعتی برای تشریف اشرف اختیار نمایند - و هفتم این ماه که  
 اصحاب تنجیم برگزیده بودند - و از روز بذا تا این تاریخ یکسال و  
 پنج ماه و چهار روز منقضی شده بود - بقدم فیض لزوم رهک  
 فزای بهشت برین گردانیدند - طبع اقدس از حیر این گاهن  
 همیشه بهار و تفرح حیاض و انهار و تماثلی سر و چنار که بهمان  
 ناهدان گلزار قد بر کشیده بودند نشاط آورد گردید - شرف  
 دوران حضور مراسم تهنیت بنقدیم رسانیدند - و همگان بزرگان

مجامع جهانبانی رسید که اگرچه احوال فقرا و رعایای این خطه  
 داپذیر به باغ یک لک و پنجاه هزار روپیه که پیشتر از خزانه  
 خیرات عنایت شده بود در برناهیت نهاده - و ملک بآبادی  
 گراشیده لیکن درین هنگام کشت کار اگر پنجاه هزار روپیه دیگر برای  
 سرانجام لوازم زراعت بکشاورزان بی بضاعت این سرزمین  
 مرحمت شود معموری ملک به نسق آرین باز خواهد گشت -  
 از مکن الطاف پادشاهانه بمتکفلان معاملات آنصوبه یرلیغ تضانفاد  
 بشرف صدور پیوست که پنجاه هزار روپیه دیگر از خزانه ولایت  
 بذرگران بی استطاعت بطریق خیرات قسمت نمایند - میر ابراهیم  
 صفدر خانی بکاول نعمت خاصه بحرمدین مکرمدین مرخص شد -  
 و متاع یک لک روپیه باب بر عرب بقیه پنج لک روپیه که هنگام  
 ادرنگ آرائی نذر هرمین شریفین نموده بودند بجهت فقرای  
 آن دو مکن منیف مصحوب او ارسال یافت - و خدمت بکاولی  
 بمحمد تامم خلف هاشم خان مفوض گردید •

چهارم رجب رای مکند داس بدیوانی بیوتات و ملا عمادالملک  
 بدنتز داری تن مر بلند گشتند •

پانزدهم [ رجب ] بصله دردمان هدایت صفاوه خاندان  
 ولایت سید جلال ده هزار روپیه انعام شد •

بیست و یکم [ رجب ] خاندوران بهادر نصرت جنگ  
 دراجه گجسنگه و بهادر خان در او امر سنگه ولد راجه گجسنگه  
 و امانتخان و نظر بهادر و غیراینان از قلعه‌ها آمده دولت ملازمت  
 اندوختند - و خان نصرت جنگ هزار غنم بزرگم گذرانید •



مخالف آئین نمک خوارگی و فدویت سر برزده هادی جبل رشاد  
 او را بتغییر منصب و قبول تادیب نموده بی آنکه معافیت گورنش  
 فریابد به دار الملک دهلی فرستادند. که در آنجا اقامت گزیدند -  
 و از آنجا که این صورت کرم الهی برخلاف دیگر سلاطین که قطع  
 حیات نمایند بقطع مواد معیشت و اسباب روزی هیچ یکی از  
 بنندگان هر چند از نظر افتاده باشد راضی نیست - برگفته شار-پور  
 را که از مضافات صوبه دار الملک دهلی است و سی و چهار لک  
 دام جمع دارد بطریق مدد معاش بومی عذایت کردند - و جاگیر او  
 که در مهترا و مهان و آن نواحی بود باعظم خان مرحمت شد -  
 درین تاریخ جامع معقول و منقول مع عبد الحکیم سید لکوتی را بزر  
 سنجیده شش هزار روپیة هم و زرش بدر عذایت فرمودند •

بیست و یکم [ جمادی الثانیه ] سید خان جهان را بخلعت خاصه  
 برنواخته بگوائیار که جاگیر ارست مرخص ساختند - رامنگه  
 راتهور از اصل و اضافه بمنصب هزار و پانصدی هشتصد حوار سر  
 برافراخت - رجب بیگ خویش پلنگش که تازه از توران آمده  
 بساعات زمان بوس رسیده بود بعذایت خلعت و انعام دو هزار  
 روپیة بلند پایه گشت •

بیست و هشتم [ جمادی الثانیه ] قزاق خان بغوجداری برده  
 و منصب در هزاری ذات و حوار از اصل و اضافه مفتخر گردید -  
 سیر منصور بلخهی بعذایت خلعت و انعام در بیست مهر صر بلند  
 گفته دستوری زیارت حرمین شریفین یافت •

چون از عرصه داشت ظفر خان ناظم صوبه کشمیر به شرف اصفا

دوازدهم [ جمادی الثانیه ] ماهه و سنگه هادا باضافه پانصد  
سوار بمنصب سه هزاری سه هزار سوار سر بر امراخت \*

چاردهم [ جمادی الثانیه ] نظم صوبه برار به شاه بیگ خان  
مفوض شد \*

پانزدهم [ جمادی الثانیه ] مهیس داس را تهمیر را باضافه  
هزاره سوار - وار بمنصب دو هزاره سوار سر بر امراخته  
هرگنده جالور بطریق وطن بجاگیرش عذایت نمودند \*

هفدهم [ جمادی الثانیه ] چون مهین پادشاه زاد با بخت بیدار  
نواهی دار السلطنه لهور رسیدند - بحکم مقدس اسلام خان و چندی  
دیگر از نوئیخان و الاشان باسندبال شناتنه آن صحیفه مکارم و معالی  
را به پیشگاه حضور سراسر نور آوردند - آن قرآ باصره اقبال شرف  
ملازمت سراسر سعادت دریافته هزار مهر نذر گذرانیدند - و از پیشگاه  
مواظفت بعذایت خلعت خاصه سر بر امراختند - و از آنجا که واقعه  
هک والی سفاک بی باک ایران بی رونق جدال و قتال از آثار  
اقبال آن گوهر بحر خلافت بر روی کار آمده بود - خدیو اقبال از  
الطاب روز افزون و اعطاف گوناگون بخطاب مستطاب - بلند اقبال -  
که در ایام سیهنت اتسام پادشاهزادگی از القاب مخصوصه اعلی  
حضرت بود مخاطب گردانیدند - و اعیان دولت که در خدمت  
و بیروزی آن بخت بیدار آمده بودند بتقبیل آستان خواقین مکان سر  
انتخار بامراختند - ازان میان مید خان جهان هزار مهر نذر  
گذرانید - و چون بر ملتزمان بساط تقرب ظاهر شد که الله ویرد بخان  
که زبانش با اختیار او نیست درین یمنای برخی کلمات نگویند \*

## آغاز سال ششم از دوم دور صیقل جلوس اقدس

الله الحمد که روز پنجشنبه غرة جمادی الثانیه سال هزار و پنجاه و دوم هجری موافق پنجم شهر یور آغاز ششم سال سعادت اتصال از دوم دور جلوس مقدس که صبح ایام کامرانی و غرة شهر شادمانی است در اعداد ساعات و ایمن اوقات روی نمود - و انوار صمرت و آثار عشرت فروغ انزای دلها و فراغ آرای خاطرها گشت - درین تاریخ عهد الله خان بهادر فیروز جنگ را بجای سید شجاعت خان بصوبه دارچی آله آباد - و سید مذکور را بجایگیری پرگنه ابرج و بهاندیر و پنواری و دیگر محال سرکار اسلام آباد از تغیر خان مذکور سرافراز گردانیدند - بصیادت منقبت سید جلال بخاری پنج هزار روپیه انعام شد •

هشتم [ جمادی الثانیه ] پادشاهزاده و لا تبار مراد بخش را بعنایت خلعت خاصه و برخی مرصع آلات و دو اسب از طویلک خاصه یکی با زین طلائی میناکار دیگری با زین طلا و آنتاب گبر نوازش نموده بصوبه ملتان که در تیول آن عالی نسب مرحمت شده بود رخصت فرمودند - به شایسته خان ناظم صوبه پتانه خلعت خاصه و اسب از طویلک خاصه با یراق طلا مصحوب محمد طالب پسرش عنایت نموده فرستادند •

سنه ۱۰۵۲ . . . ( ۳۰۶ ) . . . پنجم حال

چهارم جمادی الاولی بصادق بیگ خال زاده امام قلی خان  
هزار روپیه - و یازدهم بمسلطان حسین و محمد عسکری خویشاں سارو  
خواجه هزار و پانصد روپیه مرحمت شد .

بیست و نهم [ جمادی الاولی ] حراست قلعه زمین داور  
به پردل خان مقرر فرموده مجال متعلقه آن در تیدول او عنایت  
نمودند - ثوالفقار خان بخلعت و فوجداری مرکار شد - مور و منصب  
در هزاره هزار و در بیست - وار از اصل و اضافان مفتخر گشته  
دمتوری پامت .

---

و چهاردهم ربیع الثانی در ساعت مبارک مبلغ یک یک و  
چهل روپیه از انجمنه یک لک روپیه اصناف جواهر قیمته و  
مرصع آلات و اقمشه نفیسه و چهل هزار روپیه نقد برسم حاجق  
مصحوبه صلابتخان میر بخشی و عاقلخان میر سامان بمنزل شاه  
نوازخان ارسال داشتند - و بیستم این ماه از جانب خان مرزبور  
بآئین پیچندیده حنا آوردند - و بحکم معالی پیشکاران بارگاه خلافت  
در دولتخانه خاص محفل حنا بندگان بفراران تکلف بر آراسته  
صلای عشرت در دادند - و مراسم معبوده آن بتقدیم رسید - و چون  
شاه نواز خان در اوقیسه بنظم آنصوبه می پرداخت و صبیغه عقیقه  
او با والده آمده بود - روز دیگر آن صبیغه صغیه را از دفور رافت  
بمشکوی سلطنت طلبیدند - و مجلس عقد در دولتخانه والا ترتیب  
یافت - و پادشاهنژاد والا گهر را بمرحمت خلعت خاصه با چارقب  
زر دوزی و جواهر و مرصع آلات و اسب از طویله خاصه با زین طلا  
و فیل از حلقه خاصه با یراق نقره و ماده فیل که قیمت آن یک  
لک روپیه بود نوازش فرمودند - و شب مبارک دو شنبه بیست و  
دوم مطابق سیم تیر بعد انقضاء سه گری در ساعتی که مختار انجم  
شامان بود بامر خاقانی قاضی محمد اسلم خطبه نکاح بر خواند -  
و مبلغ چهار لک روپیه کلین مقور گردید - نوای کوس صورت و  
آوای تهنیت از کرا حاک بزور املاک رسید - و زمزمه رامهنگران  
محر برداز دلهایی جهانیان با هتزاز در آورد - پرتو شمع کافوری  
فروغ افزای دیدگ کواکب گشته بود - و اندرزش آلات آتشبازی  
سطح زمین را چون ساحمت آسمان مانور گردانیده \*

نزن مقدس بطا و دیگر اشیا بروی کار آمد - و جهانبان بزرگوار بمراد  
دل رسیدند - بهویکی از میر ظهیر الدین و خواجه خان ~~شیرازی~~  
اشرفی - و یغصیح خان هزار روپیه - عنایت نمودند - درین روز نشاط  
افروز پادشاهزاد و الا تبار مراد بخش که بفرمان قدر نفاذ از  
حسن ابدال روانه درگاه معلی شده بود باستلام عتیقه خواقین ممکن  
مستقیم گشته هزار مهر نذر گذرانید •

پانجم [ ربیع الثانی ] معروض اقدس گشت که چون راجه  
پهار سنگه بسر زمین اسلام آهک رسید چنپت ننده سرشت را  
مجال نمود نماید - و کام و ناکام نزد او آمد - حکم شد که همچنان  
که سابق نوکر پدر و برادر کلان راجه بود الحال نوکر او باشد - چنپت  
چندی نوکر راجه بود پس ازان بیهین پور خلافت متوسل گشت -  
و با سبحانی و دیگر برادران در سلک ملازمان آن بخت بیدار  
مسلک گردید •

### گزارش ازدواج پادشاهزاده عالی نسب مراد بخش

چون پیش نهاد همت آسمان رتبت خدیو هفت اقلیم و خدایگان  
تخت رویهیم بود که خاطر ملکوت ناظر از ازدواج پادشاهزاد  
گرامی نژاد مراد بخش بدختر نیک اختر شاه نواز خان صفوی که  
سابقاً او را برای آن والا دودمان خطبه نموده بودند نیز او پرداخته  
آید - درینوقت که آن عالی نسب بفرمان عاطفت عنوان از حسن  
ابدال باعدان اقبال رسید مبلغ پنج لک روپیه برای برانجام این  
جهن خجسته بآن اختر بوج دولت عنایت فرمود •

خلعت و صوبه داری تنه از تغیر شاد خان که نظم سیوسقان بدو مقروض شد نوازش یافت - چو تنبیه و تادیب چفیت و همراهم بی راهه او از عبد الله خان بهادر فیروز جنگ چنانچه باید بوقوع نیامد - ششم [ ربیع الاول ] راجه بهار - نگه که مرزبان آن سرزمین است و قهرمان تنبیه چفیت و برادران او نمود از تغیر خان بدین خدمت سرمرازی یافت - و باضافه هزار سوار دو اسبه سه اسبه بمنصب سه هزاری سه هزار سوار هزار سوار دو اسبه سه اسبه سربرافراخت • شب دوازدهم [ ربیع الاول ] مجلس میدان طهارت نهاد خدامه کائنات - زاده موجودات - علیه من الصلوات اکملها - والتحیات افضلها - برسم هر سال انعقاد پذیرفت - و مبلغ دوازده هزار روپیه مقرر بفضلا و حفاظ و دیگر ارباب صلاح و استحقاق که در آن محفل خلد آئین مزاهم آمده بودند عطا شد •

چهاردهم [ ربیع الاول ] بمومن بیگ خویش منصور حاجی که از بلخ بدر گاه کیوان جاہ آمده بود و ظریف بیگ رفیق ار سه هزار روپیه - و به محمد امین ارلات از خویشان نذر طغائی هزار روپیه انعام فرمودند •

### خجسته بزم قمری وزن

روز پنجشنبه چهارم ربیع الثانی سال هزار و پنجاه و دوم مطابق دوازدهم قمر فرخنده جشن قمری وزن اختتام حال پنجاه و دوم و افتتاح سال پنجاه و سیوم از ستین جاوید طراز شهباه ابر دست دریا فل جهانی را گوناگون معرفت و سلامتی بخشد - و

چهارم [ صفر ] شاه بیگ خان بعنایت نقاره و لوزیک خان  
بمرحمت علم فرق عزت برافراختند \*

هزدهم [ صفر ] هزار سوار اختر برج اقبال پادشاهزاده  
محمد شاه شجاع بهادر در اسپه سه اسپه مقرر فرموده آن والا گهر  
را بمنصب پانزده هزاری ده هزار سوار هفت هزار سوار در اسپه  
سه اسپه برنواختند \*

بیست و هشتم [ صفر ] از اصل و اضافه اسفندیار خان  
بمنصب هزار و پانصدی هزار و پانصد سوار - و حسام الدین حسن  
بمنصب هزاری پانصد سوار و خدمت بخشیدگی و واقعه نویسی  
دکن - و بیست و نهم الله قلی ولد دلتگتوش بعنایت انب و  
انعام ده هزار روپیه مبعی گشتند \*

سیلح ماه [ صفر ] بمیرزا عیسی ترخان مصحوب محمد صالح  
پسرش فیل از حلقه خاصه عنایت نموده فرستادند \*

غره ربیع الاول چون از وقایع دارالخلافه اکبر آباد بعرض ملتزمان  
پایه اورنگ عرش مرتبت رسید که میرزا رستم صفوی بساط زندگی  
در نور دید - مراحم پادشاهانه بباز ماندهای او مبدول فرموده هر  
کدام را بعنایتی در خور شرف اختصاص بخشیدند - میرزا در محرم  
سال هزار و در بملازمت حضرت عرش آشیانی رسید - و تا تاریخ  
وفات مدت پنجاه سال در ظل عاطفت این دولت پابنده بود -  
لوضاع میرزا به نجابت مارزا مناجبتی نداشت - غالباً منشاء آن  
عدم نجابت والد او است \*

چهارم [ ربیع الاول ] امیر خان ولد قاسم خان فیکری بمرحمت



سندیه متعرض ولایت او نباید گردید - که در چندین هنگام اطفال او را که هنوز نام بر نیآورده اند چه جایی ارتکاب امری مبشر بر نقتد پژوهی در خلل انداختن و باخذ ملک و مال پرداختن لزوموت و فتوت دور است - و الا نظر بر عدت و سپاه و مکنت و دستگهی که از حضرت اهدیت بما ارزانی گشته تسخیر این ولایت در کمال آسانی ست - باید که آن فرزند کماگار بعد از ورود فرمان قضا نغان عساکر گیتی کشا را از قندهار طلب نماید - و بصرعت هرچه تمامتر خود را بدرگاه معلی بوساند - که سفارقت او بی ضرورت زیاده برین نمیتوانیم بخود قرار داد - غرض ناصیه دولت و جهانبانی پس از وصول منشور معادت جنود ظفر آموه را که از کثرت و انبوهی کوه و صحرائی آن دیار فرو گرفته بود و خاندوران بهادر نصرت جنگ را که با بیست هزار سوار در قندهار بود و سعید خان بهادر ظفر جنگ را که با ده هزار سوار تا قلعه بست رسیده طلب داشتند - و خود بفرخی و بهروزی روانه آستان جلال گشتند \*

اکنون خامه حقایق نگار به تحریر و فایع حضور می پردازد

بیست و پنجم محرم [ سنه ۱۰۵۲ ] خایل بیگ بمصوب هزاری

ذات و شش صد سوار از اصل و اضافه و تهازه داری، غور بند و قلعه

داری صحاک نوازش یافت \*

دوم صفراجه پهرتھی چند مرزبان چنده بعنایت فیل فرق

عزت بر انراخت - گردهر داس کور بمصوب هزاری ذات و چارصد

سوار از اصل و اضافه مفتخر گشت - سالیانه حکیم مومنا از اصل و

اضافه می هزار روپیه مقرر شد \*

بیماری که در سرداشت روانه کاشان شد - در آنجا سه چهار روزی  
 بصبر و نسیج بر سر برده باز مرتکب شرب گردید - و عارضه مذکور  
 از فزونی آن از آنچه بود سخت تر گشت - چنانچه از منزلی که  
 میان خلوت خانه و حرم سرا بود هفده شب روز بمکان دیگر نیارست  
 رفت - درین مدت بغیر حکیم احمد و مهتر داود مهتر و کابخانه  
 از مردم درون و بیرون دیگری آمد شد نداشت - و درین حال و  
 حالت پیش که در صفهان رو داده بود باخون ریزی هزاران بیگناه  
 مگرم میگفت - که خون پنهان قورچی باشی مرا گرفته - با صدای  
 هژدهم روز بیماری مطابق دوازدهم صفر سال حال [ سنه ۱۰۵۲ ] چون  
 از خبر گرفتند و دیعت حبوة سپرده بود - هیچکس ندانست که  
 شب چه وقت سپری گشته - پانزدهم ماه مذکور از کن سلطنت صفویه  
 سلطان محمد میرزا نخستین پسرش را هر چند خرد سال بود پناه  
 عباس موسوم ساخته خطبه بنا مشر خواندند - و او را از کاشان بقزوین  
 برده - بیوم ربیع الاول این سال که ساعت جلوس او بود بر قالیچه  
 که از بزرگان اینها سارده نشانیدند - و بعد از آن که واقعه عبرت افزایی  
 مرگ آن سزوار نیستی بروی روز افتاد - گوهر اکلیل خلافت  
 پادشاهزاده پیدار بخت درگاه آسمان جابه معروض داشتند - که چون  
 نیرنگی اقبال عدو مال آن سفاک بی پاکبوا بگیرد اعمال نکوهیده  
 رسانیده - و سی هزار حوار خونخوار با سرداران لبرد گذار در قندهار  
 راست اکثر از حضرت خلافت فرمان رود بتسخیر ولایت فراه و سیستان  
 و هرات تعیین نموده آید - از پیشگاه مرام پادشاهانه یرلیغ شد که  
 چون آن نصاب کیش بجزا کرد از خود رحیمه بخراند این عطیه